



## وظیفه مستضعفان (قرآن)

قرآن کریم هجرت از محیط کفر و گناه را بر مستضعفان دارای قدرت واجب می داند.

### فهرست مندرجات

- ۱ - وجوب هجرت
- ۲ - سوال ملائکه
- ۳ - عذر استضعاف، مانع دینداری
- ۴ - پانویس
- ۵ - منبع

### وجوب هجرت

قرآن کریم هجرت از محیط کفر و گناه را بر مستضعفان دارای قدرت واجب می داند: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْنَا الْمَلَائِكَةَ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوِيهِمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا» کسانی که فرشتگان (قبض ارواح) روح آنها را گرفتند در حالی که به خویشتن ستم کرده بودند و به آنها گفتند شما در چه حالی بودید (و چرا با اینکه مسلمان بودید در صف کفار جای داشتید!) گفتند ما در سرزمین خود تحت فشار بودیم، آنها (فرشتگان) گفتند مگر سرزمین خدا پهناور نبود که مهاجرت کنید! پس آنها (عذری نداشتند و) جایگاهشان دوزخ و سرانجام بدی دارند.

[۱] نساء/سوره ۴، آیه ۹۷.

### سوال ملائکه

سوال ملائکه که می پرسند: (( فیم کنتم )) سوالی است از حال و وضعی که از نظر دین در زندگی داشتند و اینها که مورد سوال قرار می گیرند، کسانی هستند که از جهت دین وضع خوبی نداشتند و لذا در پاسخ ملائکه به جای اینکه حال خود را شرح بدهند سبب آن را ذکر می کنند، و آن سبب این است که در زندگی در سرزمینی زندگی می کرده اند که اهل آن مشرک و نیرومند بودند و این طائفه را استضعاف کرده، بین آنان و بین اینکه به شرایط دین تمسک جسته و به آن عمل کنند حائل شدند.

### عذر استضعاف، مانع دینداری

و چون این عذر یعنی عذر استضعاف (البته اگر راست گفته باشند) بدین جهت مانع دینداری آنان شده که نخواستند از آن شهر و آن سرزمین چشم بپوشند، و گرنه دچار این استضعاف نمی شدند، چون مشرکین نیرومند آنجا در سایر سرزمین ها نیروئی نداشته اند، پس استضعاف این مستضعفین بطور مطلق نبوده، استضعافی بوده که خودشان خود را به آن دچار کردند و می توانستند با کوچ کردن از سرزمین شرک به سرزمین دیگر خود را از آن برهانند، لذا فرشتگان ادعای آنان را که گفتند: ما مستضعف بودیم تکذیب می کنند و می گویند: زمین خدا فراخ تر از آن بود که شما خود را در چنان شرایط قرار دهید، شما می توانستید از حومه استضعاف درآئید و به جای دیگر کوچ کنید، پس شما در حقیقت مستضعف نبودید، چون می توانستید از آن حومه خارج شوید، پس این وضع را خود برای خود و به سوء اختیار خود پدید آوردید.

پس جمله: «الم تکن ارض الله واسعة فتهاجروا فیها» استفهامی است توأم با سرزنش، همچنانکه سوال (( فیم کنتم )) نیز این سرزنش را در بر دارد، ممکن هم هست بگوئیم: استفهام اول برای تقریر است، یعنی به راستی می خواهید بپرسند چه وضعی داشته اند، چون این سوال از ملائکه موکل بر قبض ارواح اختصاص به ظالمین ندارد، بلکه همانطور که از آیات سوره نحل نیز استفاده شد، این سوال را از همه می کنند، چه متقین و چه غیر ایشان، و به راستی می خواهند بفهمند که این شخص که دارند جانش را می گیرند، از کدام طائفه بوده، و وقتی معلومشان شد که از ظالمین بوده، آن وقت به عنوان سرزنش می پرسند: «الم تکن ارض الله واسعة»، پس استفهام دوم به هر حال توییحی است، چه اینکه اولی نیز توییحی باشد و چه نباشد.

[۲] ترجمه تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ج ۵، ص ۷۷.

### پانویس

۱. ↑ نساء/سوره ۴، آیه ۹۷.
۲. ↑ ترجمه تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ج ۵، ص ۷۷.

### منبع

